

تبیین جایگاه مسائل پیش بینی نشده در برنامه ریزی سازمانی از دیدگاه قرآن کریم

سعید مسعودی پور *

دریافت مقاله: ۹۲/۲/۱۱

پذیرش نهایی: ۹۳/۱۰/۲۸

چکیده

در این نوشتار تلاش شده است تا با روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، آیاتی که نشاندهنده مسائل پیش بینی نشده است، مشخص، و علل ابتلا به موضوع مورد اشاره آیه تبیین شود. در مجموع می توان مسائل پیش بینی نشده را در دو دسته مسائل مطلوب و مسائل نامطلوب قرار داد که برخورداری از رزق پیش بینی نشده در دسته مطلوب و دچار شدن به عذابهای الهی و سنت استدراج در دسته نامطلوب قرار می گیرد. توجه به این آموزه ها باعث می شود در اداره سازمان و هم چنین برنامه ریزی در سطح ملی، محور اصلی تنها به علل مادی منحصر نشود و به مسائل اعتقادی و ایمانی که بر زندگی مادی تأثیر مستقیمی دارد، توجه شود. لازمه این امر شناخت درست سنتهای الهی و تأثیر آنها بر زندگی دنیوی است؛ موضوعی که به نظر می رسد جای خالی آن در برنامه ریزی سازمانی احساس می شود.

کلید واژه ها: مسائل پیش بینی نشده از دیدگاه قرآن، راهبردهای نوظهور از دید قرآن، برنامه ریزی سازمانی از دید قرآن، مدیریت اسلامی.

* دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، پژوهشگر مرکز رشد دانشکده مدیریت دانشگاه
امام صادق (ع) masoodipoor@isu.ac.ir

۱ - مقدمه

آینده و تحولات پیش روی انسان، یکی از مهمترین مجهولات زندگی انسان به شمار می‌رود؛ امری که ممکن است نگرانی و اضطرابهایی را برای او ایجاد کند؛ چرا که او در زمان حال زندگی می‌کند و با توجه به محدودیتهای عالم ماده نمی‌تواند نسبت به آنچه پیش روی خود دارد، آگاه شود. «انسانها به طور ذاتی و فطری به درک و شناخت آینده تعامل دارند. نگرانی انسان از آینده‌ای نامعلوم و همراه با ویژگیهای خاص خود، ضرورت شناخت آینده و برنامه ریزی را برای برخورد با آن ایجاد می‌کند.» (مرادی پوری و نوروزیان، ۱۳۸۴: ۴۵). از سوی دیگر دانستن حوادث پیش روی انسان به او امکان آمادگی برای رویارویی بهتر را فراهم می‌کند. بنابراین «به نظر می‌رسد توجه به آینده و آینده‌نگری از ویژگیهای ذاتی انسان است» (عزتی، ۱۳۷۸: ۵۰). یکی از ابعاد این توجه به آینده در بعد آخرتگرایی و جهان بعد از مرگ نمود پیدا می‌کند؛ امری که به عنوان یکی از کلیدی‌ترین سؤالاتی است که هر مکتب و نظام فکری - چه الهی و چه بشری - نمی‌تواند نسبت به پاسخ آن بی‌توجه باشد.

یکی از موضوعات بسیار کلیدی در زندگی بشر، قضا و قدر و نقش اراده انسانی در شکل دادن به آینده خود است. در این موضوع بحث بر سر این است که آیا آینده و آنچه اتفاق می‌افتد، تنها مدیون اراده و رفتار انسان است یا دستی برتر از اراده انسانی نیز در رخدادهای عالم دخیل است. «اگر مقصود از سرنوشت و قضا و قدر، پیوند حتمیت هر حادثه با علل خود و پیوند شکل گرفتن هر حادثه از ناحیه علل خود است، البته این حقیقتی مسلم است. اما الهیون معتقدند سلسله علل در بعدی غیر از بعدهای زمان و مکان منتهی می‌شود به علة العلل و واجب الوجود؛ یعنی به حقیقتی که او قائم به ذات است و اتکالی به غیر خود ندارد» (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۷). بر این اساس در اندیشه اسلامی، اگر چه اصل علیت و علل طبیعی به رسمیت شمرده می‌شود، جاری شدن آن به اراده الهی و خواست اوست. «واژه خاصی که در متون اسلامی برای قانونمندی جامعه و تاریخ به کار می‌رود «سنت» است. برخی از سنن الهی در قرآن کریم با همین لفظ مشخص شده است، ولی هست آیاتی که اگر چه این واژه در آنها به کار نرفته، بیان کننده نوعی از سنتهای الهی است.» (حامد مقدم، ۱۳۶۵: ۲۹)؛ به عبارت دیگر سنتهای الهی حاکم بر زندگی دنیوی انسان است که شناخت درست آنها می‌تواند به تنظیم آن کمک کند.

سازمانها، که برای پاسخگویی به نیازهای بشری شکل گرفته‌اند، نیز از ضرورت توجه به آینده مستثنی نیستند. سازمانها به عنوان سامانه‌های باز با محیط پیرامون خود تعامل دارند و از تحولات محیطی تأثیر می‌پذیرند. آنچه در محیط سازمانی در آینده اتفاق خواهد افتاد، موضوعی است که باعث می‌شود شناخت آینده و تحولات آن به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های هر سازمانی تبدیل شود. اهمیت موضوع آینده و شناخت آن به شکل‌گیری دانشی میان رشته‌ای به نام آینده پژوهی منجر شده است؛ بنابراین نمی‌توان انکار کرد که آینده سازمان، بسیار تحت تأثیر حال و گذشته اوست. «گذر زمان این تفکر را رایج ساخت که کنشهای امروز ما تعیین کننده فردا و فرداهایمان است و بر این مبنا اصحاب علم و معرفت، شور و شوق خویش را برای شناخت دقیقتر آینده نشان دادند و کوشیدند تا بدانند با چه روشهایی می‌توان آینده را بهتر شناخت» (آقاپور و پهلوان، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به مبانی جهان‌بینی مادی حاکم بر بسیاری از روشهای متداول تا چه میزان این ابزارها توانمندی اجرای آنچه را بر عهده آنها گذاشته شده است دارد. برای پاسخ درست به این سؤال قطعاً لازم است مبانی و مبادی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، که این دانش بر مبنای آن بنیان نهاده شده است، مورد بررسی قرار گیرد. «هر رشته پژوهشی بر پایه فرضیهایی استوار می‌شود که به عنوان مبانی بینشی و نگرشی آن رشته، قلمداد می‌گردد. آینده پژوهی نیز لاجرم بر پیشفرضهای خاصی استوار است که به عنوان مبانی نظری آن، باید مورد توجه قرار گیرد. آینده پژوهی نیز لاجرم بر پیشفرضهای خاصی استوار است که به عنوان مبانی نظری آن باید مورد توجه قرار گیرد» (ذوالفقارزاده، ۱۳۸۹: ۵۵). هدف مقاله بررسی این مبانی نیست؛ بلکه تلاش بر این است که با استناد به آیات قرآن به طرح دیدگاه قرآن در خصوص موضوعاتی پرداخته شود که پیش‌بینی نشده و غافلگیرکننده اتفاق می‌افتد. بررسی سابقه و پیشینه پژوهشها حاکی از نبودن پژوهشی در خصوص این موضوع است. روشن است که یکی از دلایل استفاده از شیوه‌های آینده‌نگری در سازمان، جلوگیری از غافلگیر شدن سازمان در مقابل حوادث آینده است. اما سعی خواهد شد که با استناد به آیات قرآن این گزاره به نقد گرفته، و نشان داده شود که افقی بالاتر از فهم تفکر غربی، رخدادهای پیش‌بینی نشده را رقم می‌زند که شناخت آنها مستلزم توجه به منابع شناختی دیگری غیر از مطالعات تجربی است.

۲ - بیان مسئله

آنچه بر فضای نظریه‌های مدیریت متعارف حاکم است، قائل شدن استقلال برای بشر در خلق آینده خویش است؛ موضوعی که انسان را از هر قید و بندی رها می‌کند و آینده او را تنها محصول دانش، تفکر، برنامه‌ریزی و تلاش خود می‌داند؛ با وجود این دستیابی به آینده مطلوب به یکی از دلمشغولیه‌ها و نگرانی‌های انسان تبدیل شده است. اگر چه نقش عوامل فرامادی در شکل‌گیری آینده او مورد انکار نظریات متعارف غربی واقع شده است، بدون شک تضادها و تراحمهای نظام مادی محدودیتها و موانعی در مسیر رسیدن به اهداف به وجود خواهد آورد. این دیدگاه مضیق در مورد تأثیر عوامل بر زندگی دنیوی و مادی انسان، رفتارهای مشخص و محدود شده در همین مسیر را توصیه می‌کند که محور آن، محدود شدن به عوامل طبیعی و مادی است. با توجه به عدم حاکمیت نظام اعتقادی فرامادی در چنین دیدگاهی، رفتارها تنها در چهارچوب قراردادها و قواعد بشری خواهد بود که توسط جوامع ماتریالیستی برای سامان دادن به وضع خود و جلوگیری از هرج و مرج وضع، و مورد اجرا واقع می‌شود. غالب نظریه‌های حوزه مدیریت و اداره سازمان، ناظر به این فضای فکری و اعتقادی است؛ لذا نسخه‌های پیچیده شده توسط این نظریات، تجویزکننده رفتارهای پذیرفته شده در تفکر مادی‌گرایی است. همین امر ضرورت بازخوانی مبانی و مبادی نظریات موجود و ارزیابی آنها را با سنجه‌های اسلامی و نظام اعتقادی الهی نشان می‌دهد.

یکی از مهمترین نیازمندی‌های تمام سازمانها در هر جامعه و نظام فکری، تدوین برنامه و استراتژی‌های لازم برای تحقق اهداف سازمان است. چه در عرصه سازمانی و چه در عرصه ملی، برنامه ریزی، اصلی مهم و انکار ناپذیر برای اداره و مدیریت به شمار می‌رود. نظریاتی که آبخور مادی‌گرایانه محض دارند، نمی‌توانند توصیف درستی از واقعیت عالم ارائه کنند و تکیه بر آنها به معنی برنامه ریزی سازمانی ناکارآمد و غیرمؤثر خواهد بود. اما غالباً آنچه در سازمانهای جامعه ما مورد استفاد قرار می‌گیرد، الگوها و ابزارهایی است که تولید شده در نظام معرفتی غرب است که با نظام معرفتی مقبول تفاوت بسیاری دارد. این نوشتار در صدد است تا موضوع مسائل پیش بینی نشده و تأثیر آن را در برنامه‌ریزی از نگاه اسلامی مطرح کند. در نهایت به عنوان یک نمونه به بررسی یکی از الگوهای توصیفی استراتژی (مدل مینتر برگ) می‌پردازد و تأثیرات نگاه دینی را بر آن بیان می‌کند.

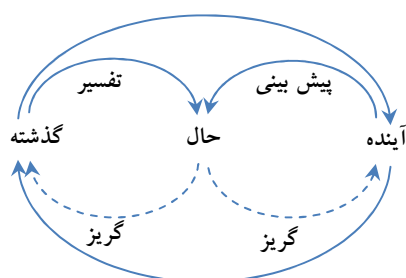
۳- ادبیات موضوع

آینده و تحولات پیش رو یکی از ابهامات زندگی انسان است. در نگاه دینی، تحولات عالم و رخدادهای آن تحت تأثیر قوانین ثابتی است که از آنها به سنهای الهی تعبیر می‌شود. از سوی دیگر در سازمانها نیز مسئله آینده نگری و شناخت آن یکی از چالشهای مهم است که سازمانها برای اتفاقات پیش‌بینی نشده محیطی خود از راهبردهای نوظهور استفاده می‌کنند. در این قسمت تلاش شده است مفاهیم آینده، سازمان و مسائل پیش بینی نشده آن و سنتهای الهی تا حدودی تبیین شود تا بتوان به مسئله اصلی پرداخت.

۱- ۳- آینده نگاری و آینده پژوهی

رفع ناآگاهی از آینده از اصلی‌ترین دغدغه‌های انسان، و آدمی همیشه به دنبال این بوده است که از آینده خود آگاه شود و آن را به گونه‌ای که خود می‌خواهد سازمان دهد (عزتی، ۱۳۷۸: ۵۰). بر این اساس آینده‌نگری از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی با استقبال بی‌نظیری از جانب سیاستگذاران علم و فناوری کشورهای مختلف روبه رو شد به گونه‌ای که از اوایل این دهه تا کنون تقریباً بیشتر کشورهای پیشرفته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی برخی از سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای، برنامه‌هایی را در این خصوص تدوین و اجرا کرده‌اند (طباطبایان و قدیری، ۱۳۸۶: ۵۶). پیشینه آینده نگری با آینده شناسی و پیش بینی در هم آمیخته است.

همان طور که در شکل زیر نشان داده شده است، بین آینده، حال و گذشته تعاملاتی وجود دارد. آنچه گذشته است در زمان حال تفسیر می‌شود تا شناخت برای آینده ایجاد شود. بر مبنای این شناخت است که نسبت به اتفاقات پیش رو، پیش بینی صورت می‌گیرد.



شکل ۱: تعاملات دو سویه بین آینده، حال و گذشته (اسلافترا، ۲۰۰۳)

آینده پژوهی و آینده نگری به عنوان دانشهای نوظهور با استفاده از ابزارهای مختلف این امکان را به سازمانها می‌دهد که شناختی هرچند نسبی، ناقص و خطاپذیر از آینده خود به دست آورند. در واقع این ابزارها با به تصویر کشیدن رخدادهای آینده محیطی، امکان برنامه‌ریزی را برای سازمان فراهم می‌کنند. سازمانها نیز معمولاً از دو نوع برنامه‌ریزی استفاده می‌کنند: بخش اصلی برنامه‌ریزی بر اساس پیش بینی محیطی با تکیه بر ابزارهای آینده پژوهی و آینده نگری است و بخش دوم، که در مرحله اجرا غالباً نمود پیدا می‌کند، برنامه‌ریزی پیش‌بینی نشده است. در برنامه‌ریزی پیش‌بینی نشده ابزارهای تحلیل محیطی نمی‌تواند اتفاقات را بدرستی پیش‌بینی کند و سازمان دچار مسائلی نوظهور می‌شود. در این موضوعات سازمان چاره‌ای ندارد جز اتکا به برنامه‌ریزی اصلاحی تا روند قبلی را اصلاح کند.

بنابراین آینده نگری سعی در ارائه روشهایی دارد که در پرتو آن شناخت نسبت به حوادث پیش رو در زمان حال ایجاد شود تا در پرتوی این شناخت تصمیم‌گیرندگان بتوانند به گونه‌ای سازمان خود را هدایت کنند تا بهتر بتوانند در زمان آینده عمل کنند. «هدف آینده پژوهی صرفاً یافتن میدانی برای نوآوری و تغییر روال گذشته نیست، بلکه غایت اصلی آن، شناخت آینده‌های ممکن و حتمی، انتخاب میان آنها برای تعیین تکلیف اقدامهای امروز در کنار حفظ و گسترش بهروزی و ظرفیتهای ادامه حیات بر روی کره زمین است» (عسگری، ۱۳۸۳: ۸۳). یکی از پیشفرضهای آینده پژوهی در نظر گرفتن گزینه‌های متعدد برای آینده است. این گزینه‌ها در سه حالت ممکن، محتمل و مرجح معرفی می‌شود؛ هر چند پیروزی برای کسب آینده مطلوب با دور اندیشی و اراده پایدار به دست می‌آید و ریشه دوراندیشی، باز ایستادن در هنگام شبهه است (حمیدی زاده، ۱۳۹۰: ۸۹)؛ به عبارت دیگر زمانی که سخن از آینده به میان می‌آید، سخن از ضرورت پیش‌بینی برای رویارویی اثربخش و کارآمد نیز مطرح می‌شود. اما از آنجا که پیش‌بینی دقیق برای عموم انسانها مقدور نیست، همواره مسائل دور از انتظار و پیش‌بینی نشده محتمل است که در آینده رخ دهد؛ با وجود این پژوهشگران و محققان سعی می‌کنند با استفاده از دانش آینده نگری و آینده پژوهی، بستری را فراهم کنند که بتوانند مسائل پیش‌بینی نشده آینده را به حداقل برسانند.

مفاهیم و اصطلاحات گوناگونی هست که به نوعی به آینده و کسب شناخت نسبت به آن ناظر است. اصطلاحاتی که تعاریف متعدد و گوناگونی از آنها توسط اندیشمندان مختلف ارائه شده

است. بررسی این تعاریف و مفاهیم به صورت مفصل از هدف این مقاله بیرون است و به همین دلیل تنها نگاهی گذرا به یکی از تعاریف صورت می‌گیرد. دو مفهوم پر کاربرد و رایج در خصوص آینده، آینده‌نگری و آینده‌پژوهی است. «آینده‌نگری^۱ توانایی تصور آینده از طریق مطالعه، تحقیق یا تصویرپردازی با بهره‌مندی از روشهای علمی، آموزه‌های دینی یا کشف و شهود غیر مادی است. در این تعریف آینده‌نگری در دو بستر الهی و بشری متصور شده و مفهومی بسیار عام و در عین حال دقت بیشتری را شامل شده است» (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). آینده پژوهی^۲ فرایند مطالعه و بررسی آینده محتمل از طریق روشهای علمی متعارف یا غیرمتعارف است. منظور از روشهای غیرمتعارف روشهایی است که آینده نگر در آن مطالعه و بررسی آینده را بر اساس یافته‌ها و تجربه‌های شخصی انجام می‌دهد (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

آینده‌نگری فرض می‌کند آینده منحصر به فردی وجود دارد و آینده نگر باید با حداکثر دقت پیش بینی کند که این آینده چگونه خواهد بود ولی آینده نگر با پیش‌بینی جزئیات و زمانبندی رخدادهای ویژه زیاد مرتبط نیست (ایرجی، ۱۳۸۳: ۱۳). در باب تفاوت این دو مفهوم باید گفت که رابطه آنها عموم و خصوص مطلق است؛ به این صورت که آینده‌نگری مفهومی کلی تلقی می‌شود که تنها نوع خاصی از آن را آینده پژوهی نشان می‌دهد. «در بستر بشری تلاشها عمدتاً بر مبنای پذیرش خطا و حرکت به سمت به کارگیری اصول علمی است، لذا به طور کلی می‌توان آن را آینده پژوهی نامید، اما آینده‌نگری الهی عمدتاً بر مبنای تصویرپردازی است. البته بخشی از تصویر پردازی در آینده‌نگری بشری متصور است که می‌توان از آن به آینده سازی یاد کرد» (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

۲ - ۳ - مدیریت استراتژیک و کارهای پیش بینی نشده

پیش بینی رویدادها علاوه بر استفاده از آن در طرحهای استراتژیکی و طرحهای بلند مدت بسیار با ارزش است؛ زیرا اولاً پیش بینی رویدادهای آینده، مدیریت را از قبل به تفکر وادار می‌دارد که دقیقاً آینده را ببیند و خود را برای روبه‌رو شدن با آن آماده کند. ثانیاً جاهایی را که در آنجا کنترل وجود ندارد و یا عملیات ضعیف است به نمایش می‌گذارد. ثالثاً بخشهایی که باید در آن تمام اعضای سازمان یا بخشی از اعضا مشارکت جدی کنند، شناخته می‌شود. اینها خود سبب

1 - Futurology

2 - Future study

می‌شود که طرحی هماهنگ و قابل اجرا تنظیم گردد (آهنچی، ۱۳۸۶: ۵۱۵). بنابراین سازمانها تلاش می‌کنند در راهبردهای خود وضعیتی را که از آینده پیش‌بینی می‌کنند لحاظ کنند. «مدیریت استراتژیک را می‌توان جریان تصمیم‌گیری و اجرای اقداماتی نامید که موجب ایجاد برنامه‌ای مؤثر برای دستیابی به اهداف کلی سازمان می‌شود. مدیریت استراتژیک، مدیریتی آینده‌نگر و انطباق‌پذیر و خلاق و پویا (و آینده‌نگر) است. پس می‌بینیم آینده‌نگری جزء جدانشدنی مدیریت استراتژیک است» (ایرجی، ۱۳۸۳: ۱۴).

در ادبیات متعارف مدیریت راهبردی از دو نوع راهبرد نام برده می‌شود: راهبردهای قصد شده^۱ و راهبردهای نوظهور^۲. راهبردهای قصد شده راهبردهایی است که اهداف آن برای زمان پیش‌رو طراحی شده است (یعنی از قبل مشخص شده) و اجزا و عوامل اصلی آن قبل از اینکه اجرای راهبرد آغاز شود، طراحی و مشخص شده است؛ اما راهبردهای نوظهور راهبردی است که هدف نهایی آن غیرواضح است و اجزای آن در خلال دوره حیات سازمان هم چنانکه راهبرد ادامه می‌یابد، توسعه می‌یابد و مشخص می‌شود (لینچ^۳، ۲۰۰۶: ۱۶) به عبارت دیگر راهبردهای قصد شده بر مبنای پیش‌بینی و تحلیلهای قبلی سازمان و قبل از رویارویی با آینده شکل می‌گیرد. در واقع بر اساس انتظار و پیش‌بینی سازمان از تحولات آینده راهبردهای قصد شده تدوین می‌شود. اما غالباً آنچه مورد توقع سازمان است دقیقاً رخ نمی‌دهد؛ لذا سازمان مجبور است راهبردهای جدیدی متناسب با پدیده‌های محیطی انتخاب کند که راهبردهای نوظهور نامیده می‌شود.

نکته مهم که در این خصوص باید به آن توجه کرد، نقش و جایگاه توانایی انسانی در شکل دادن به راهبردهایی است که به صورت غیرتعمدی و غیرقصد شده است. در ادبیات مدیریت متعارف با توجه به مبانی اعتقادی و فکری خود، تنها به بعد مادی و تلاشهای انسانی در ارائه این گونه راهبردها توجه می‌شود. اما در تفکر اسلامی همه چیز به اراده الهی و خواست و قدرت او وابسته است با این حال یکی از سنتهای نظام هستی، برقراری رابطه بین کار و تلاش و حصول نتیجه است. شاید بتوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری این نوع راهبردها در سازمان را به وسیله متصف شدن سازمان به صفت تقوا دانست که تبیین مفهومی آن پژوهش مستقل دیگری را می‌طلبد.

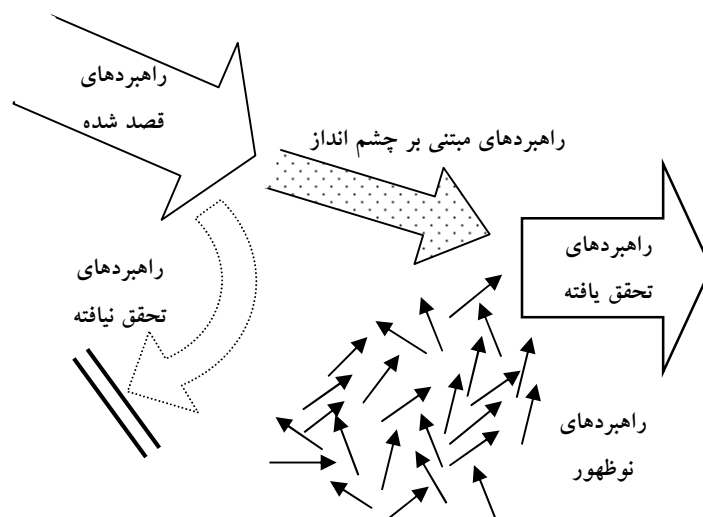
1 - Intended strategies
2 - Emergent strategies
3 - lynch

متناسب با این دو نوع راهبرد، دو رویکرد در خصوص چگونگی طراحی راهبرد در سازمان هست که عبارت است از رویکرد مبتنی بر چشم انداز^۱ و رویکرد نوظهور^۲. استراتژیهای تعمدی شرکت استراتژیهایی است که اهداف آن برای زمان پیش رو طراحی شده (یعنی از قبل مشخص شده است) و اجزا و عوامل اصلی آن قبل از اینکه اجرای استراتژی آغاز شود، طراحی و مشخص شده است؛ اما استراتژیهای نوظهور استراتژی است که هدف نهایی آن غیر واضح است و اجزای آن در خلال دوره حیات سازمان هم چنانکه استراتژی ادامه می یابد، توسعه می یابد و مشخص می شود (لینچ، ۲۰۰۶: ۱۶). در پژوهشی سعی شده است راهبردهای تعمدی و نوظهور در عرصه جهاد اقتصادی مفهوم سازی شود و در این خصوص گفته اند که «در راهبردهای تعمدی جهاد اقتصادی نوعی فرایند تدوین راهبرد نهفته، و بدین معناست که فرایند گام به گام تحلیل، توسعه و اجرا و کنترل راهبردی به صورت زنجیره ای خواهد بود؛ بدین ترتیب ممکن است ابتدا با تحلیلهای محیط راهبردی، منابع و امکان سند مأموریت سازمانها تحلیل راهبردی صورت پذیرد. اما در راهبردهای نوظهور جهاد اقتصادی نوعی فرایند همزمانی در توسعه و اجرای راهبرد نهفته است؛ بدین معنا که فرایند تحلیل، توسعه و اجرای راهبرد به صورت همزمان با رصد محیط و پاسخ به مسائل آنی خواهد بود (بنی اسد، ۱۳۹۰: ۶۸ و ۶۹).

شکل ۲ نشاندهنده اجزای تشکیل دهنده راهبردهای تحقق یافته در سازمان است. در فرایند مدیریت راهبردی، راهبردهای قصد شده سازمان طراحی می شود و به مرحله اجرا در می آید. برخی از این راهبردها در مقام عمل محقق می شود که استراتژیهای تعمدی را شکل می دهد؛ اما تمام راهبردها در مقام عمل به اجرا در نمی آید و در عوض آن، متناسب با اقتضات خاص برخی استراتژیهای نوظهور طراحی و اجرا می شود.

1 - perspective approach

2 - Emergent approach



شکل ۲: راهبردهای نوظهور و تعمدی (مینتزبرگ^۱، ۲۰۰۷: ۶)

حوزه راهبردهای نوظهور به مسائل پیش‌بینی نشده ناظر است. در واقع سازمانها بر اساس راهبردهای تعمدی به برنامه‌ریزی و حرکت اقدام می‌کنند و با تغییر اقتضانات زمانی و رخدادهایی که در راهبردهای تعمدی پیش‌بینی نشده است، راهبردهای نوظهور را شکل می‌دهند؛ لذا به نوعی موضوعات پیش‌بینی نشده را می‌توان در ذیل راهبردهای نوظهور تحلیل کرد. نکته ای که باید به آن توجه کرد، تأثیر عوامل فرامادی در رخداد مسائل پیش‌بینی نشده است که نوشتار حاضر در تلاش است تا فهم اندکی در این خصوص ایجاد کند.

۳ - ۳ - سنتهای الهی

«سنت در لغت به معنای سیره و روش صاف و رام، تعریف شده است» (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۵: ۲۳۶). گاهی این واژه به طور عام آمده است که همان معنا از آن فهم می‌شود؛ اما گاهی این کلمه به صورت سنت نبی اکرم (ص) ذکر می‌شود که منظور از آن روش و طریقه و سبکی است که رسول خدا (ص) داشتند. در واقع استفاده در این شکل به حوزه علم الحدیث مربوط است که سنت در اصطلاح علم حدیث، گفتار، عملکرد یا تقریر (تأییداتی) است که به قصد تشریح برای امت از پیامبر اکرم (ص) صادر شده است.^(۱) با قید «به قصد تشریح»، امور دنیوی و عادی و فطری‌ای که به امور دینی و وحی ارتباطی ندارد از تعریف خارج می‌شود؛ زیرا چنین اموری طبیعتاً از شخص

1 - Mintzberg

صادر می‌شود و طبع افراد متفاوت است و نمی‌توان همه امت اسلامی را به اموری که عادی و آفرینشی است، مقید کرد (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶: ۸). کاربرد سوم این کلمه همراه شدن آن با اسم مبارک الله است: سنه الله. در این مورد «سنت روشی است که خداوند برای تدبیر جهان، اتخاذ فرموده و به تعبیر دیگر قوانینی که به فرمان الهی بر جهان حکمفرماست و در واقع این قوانین، همان اراده الهی است که به جهان، نظام خاصی داده است. با توجه به اینکه انسان در نظام هستی، محکوم این سنتهاست، شناخت این سنتها برای رسیدن انسان به کمال واقعی خویش، لازم و ضروری است» (سهراب پور، ۱۳۷۹: ۸).

منظور از سنتهای الهی یعنی قوانین کلی و اصولی حاکم بر جهان هستی که نظام عالم بر اساس آنها اداره می‌شود. «از دیدگاه قرآن کریم یکی از ویژگیهای جهان هستی، قانونمندی آن است. جهان آفرینش چون نظم دارد، قانونمند هم هست. ریشه این پیام قرآنی را باید در آموزه «قضا و قدر» جست‌وجو کرد: «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان/۲). دلالت این آموزه بر قانونمندی جهان آفرینش زمانی آشکار می‌شود که قرآن کریم پس از ذکر برخی نظمهای جهان، آنها را به صورت مصداقهای این آموزه در نظر می‌گیرد» (هادوی نیا، ۱۳۸۶: ۹۳).

«سنتهای الهی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: سنتهای الهی که مطلق، و لازمه آفرینش پروردگار است و سنتهایی که به رفتار انسان مربوط است. سنت هدایت و سنت ابتلا و آزمایش (انبیا/۳۵) از سنتهای گروه نخست است که مهمترین ویژگی آنها، دوسویه‌ای بودن است؛ این ویژگی سامان‌دهنده مقدمه‌های تحقق پدیده اختیار است که از دیدگاه قرآن کریم، لازمه آفرینش انسان است. گروه دوم به اراده و اختیار انسان مقید است. از ویژگیهای مهم این گروه، دوگونه‌ای بودن است که نمود تحقق پدیده اختیار است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۵۶). «اراده و مشیت الهی به صورت سنت یعنی به صورت قانون و اصلی کلی در جهان جریان دارد. سنتهای الهی تغییر نمی‌کند و آنچه تغییر می‌کند بر اساس سنتهای الهی است» (مطهری، ۱۳۸۴: ۸۵)؛ لذا این قوانین کلی همواره حاکم است و نقض نمی‌شود.

سنتها در واقع مهمترین قواعد تغییرناپذیری است که بر اساس آن می‌توان به شناخت آینده اقدام کرد. سنتهای الهی چه در زمان گذشته، چه حال و چه آینده جاری است. در ادبیات متعارف مدیریت، موضوع سنتهای الهی و نقش آن در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به رسمیت شمرده

نمی‌شود. شناخت احتمالی آینده در چهارچوبهای متعارف غالباً پیش‌بینی روند تحولات زمان گذشته و حال در آینده و یا طراحی سناریو برای وقوع پیشامدهای مختلف است. این شناخت نیز غالباً بر اساس علل مادی است و ورود به عوامل فرامادی و تأثیر آن بر موضوع برنامه ریزی دیده نمی‌شود. «شناخت سنتها و قوانین و ملحوظ نمودن آنها در پیش‌بینی روند فعالیتها در صحت و دقت پیش‌بینی سهم مهمی ایفا می‌کند. مدیری که با سنت (به معنای قانون الهی) و قانون در محیط درونی و برونی سازمان آشنایی کافی داشته باشد، خواهد توانست روابط علی داده‌ها را در الگوسازی و پردازش الگوهای پیش‌بینی تبیین کند؛ از این رو، نتایج پیش‌بینی در انطباق بیشتر با وضعیت واقعیات خواهد بود؛ بدین سان، توانایی زیادی در استفاده از معیارهای ضوابط در برنامه ریزی خواهد داشت» (حمیدی زاده، ۱۳۷۷: ۵). مدیر سازمانی برای اینکه بهتر بتواند سازمان خود را هدایت و رهبری کند باید با قوانینی خود را هماهنگ کند که نظام هستی بر اساس آن اداره می‌شود. «سنت خدا در جوامعی که همسو با نظام خلقت و اطاعت از قوانین زندگی ساز انبیا حرکت می‌کنند، فراخی نعمت است؛ ولی آنها که بر خلاف نظام آفرینش و دستورهای الهی حرکت می‌کنند، نابودی است و هلاکت: و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما كانوا یکسبون، اعراف / ۹۶^(۲)» (گیلانی، ۱۳۸۵: ۱۳)؛ به عنوان مثال در برنامه‌ریزی سازمانی برای مدیریت منابع آبی و مقابله با خشکسالی، برنامه راهبردی سازمان در حوزه علل طبیعی و مادی باید باشد که شامل موضوعاتی نظیر مهار آبهای سطحی از طریق احداث سد، کمک به تقویت آبهای زیرزمینی، تشویق مردم به صرفه جویی و... می‌شود؛ اما در برنامه ریزی سازمانی تنها اتکا به این علل مادی کافی نیست؛ به عنوان نمونه در روایت زیر از امام سجاد گناهای که باران آسمان را حبس می‌کند برشمرده شده است: ظلم دستگاه قضایی، شهادت دروغ، کتمان شهادت، زکات و قرض و عاریه ندادن و سنگدلی کردن نسبت به اهل فقر و فاقه و ظلم کردن به یتیمان و بیوگان و رد کردن سائل در شب.

توجه به سنتهای الهی در برنامه ریزی سازمانی یعنی توجه به این دسته از عوامل و برنامه ریزی برای اصلاح آنها. بر این اساس یکی از اقدامات برای مبارزه با خشکسالی در حوزه فرهنگی و اصلاح رفتارهای اجتماعی و بهبود اعتقادات مردم است.

باید توجه کرد که این سنتها در دیدگاه قرآن و روایات، بعدی غیبی و فرامادی دارد؛ با این حال، همه رخدادهای جهان ماده از واقعیتی عینی و طبیعی برخوردار است. در واقع همه سنتهای

خداوند در چارچوب نظام طبیعی این جهان اجرا می‌شود. بنابراین هر پدیده غیبی که درباره انسان در این جهان نمود می‌یابد، افزون بر بعد متافیزیکی از دید روانشناختی و جامعه شناختی نیز تبیین پذیر و تحلیل شدنی است. با این نگرش می‌توان سنت استدراج را در دو حوزه فردی و اجتماعی بررسی کرد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ۳۱ و ۳۲).

یک سؤال اساسی که باید به آن پاسخ داد این است که آیات ذکر شده در قرآن ناظر به انسان یا حداکثر اجتماع بزرگتری به نام جامعه است؛ برای مثال وقتی خداوند متعال می‌فرماید هر کسی که تقوای الهی پیشه کند خداوند از آنجا که فکر نمی‌کند به او روزی می‌دهد، این مسئله در خصوص فرد انسان مطرح است نه شکلی از اجتماع انسانی به سازمان. چگونه می‌توان این موضوعات را به پدیده‌ای به نام سازمان تعمیم داد و آیا اساساً چنین تعمیمی ممکن و صحیح است؟ این موضوع خود می‌تواند به عنوان یک مسئله پژوهش مستقلی مطرح شود تبیین دقیق و صحیح هویت فلسفی سازمان و اینکه آیا اصالت دارد یا موجودی اعتباری است، زمینه توسعه و خلق مفاهیمی بدیع از دید مدیریت اسلامی را فراهم خواهد ساخت. مفاهیم و موضوعاتی که بر مبنای نظام هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مدیریت متعارف ممکن است به رسمیت شمرده نشود. یکی از کارکردهای آن تأثیر سنتهای الهی در سازمان است. سنتهای الهی در یک دسته بندی به سنتهای فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا سنتهای الهی در سازمان، که هویتی فراتر از فرد دارد جاری می‌شود. برای پاسخ به این سؤال باید بررسی شود که هویت سازمان آیا اصالت دارد یا خیر و اساساً چه ویژگی در جامعه باعث شده است که برخی از سنتهای الهی ناظر به آن باشد و آیا چنین ویژگی در سازمان هست.

مهمترین نکته محوری که می‌تواند ما را به پاسخی رهنمون کند در نظر گرفتن رابطه دو سویه‌ای است که بین وجود حقیقی و حاکم شدن سنتهای الهی بر وجود حقیقی وجود دارد. این نکته از میان نوشته‌های شهید مطهری بروشنی قابل بیان است^(۳): «قرآن برای امتها (جامعه‌ها) سرنوشت مشترک، نامه عمل مشترک، فهم و شعور، عمل، طاعت و عصیان قائل است. بدیهی است که امت اگر وجود عینی نداشته باشد، سرنوشت و فهم و شعور و طاعت و عصیان معنی ندارد. اینها دلیل است که قرآن به نوعی حیات قائل است که حیات جمعی و اجتماعی است. حیات جمعی صرفاً یک تشبیه و تمثیل نیست، یک حقیقت است» (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۰).

«اگر جامعه مستقل از افراد اصالت نداشته باشد، جز افراد و قوانین حاکم بر آنها چیزی وجود

نخواهد داشت و در نتیجه تاریخ علمی که علم به قواعد و سنن حاکم بر جامعه‌ها است بلا موضوع است» (مطهری، ۱۳۸۵: ۷۶). همان طور که از این کلام بر می آید یکی از دلایلی که شهید مطهری برای اثبات اصالت داشتن جامعه مطرح کرده‌اند این است که جامعه دارای سنت و سرنوشتی مشترک است؛ یعنی اگر موضوعی دارای سنت بود از نگاه شهید مطهری می‌توان وجود آن را حقیقی دانست. اما طرف دوم رابطه چگونه است؟ یعنی اگر اثبات شد که موضوعی دارای وجود حقیقی است، آیا می‌توان سنت‌های الهی را برای آن اثبات نمود؟ آنچه از کلام شهید مطهری دریافت می‌شود این است که اگر بتوانیم قائل به اصالت جامعه شویم و وجود حقیقی را برای آن اثبات کنیم در آن صورت قانون، سنت و سرنوشت مشترک برای جامعه قابل پذیرش است (ن ک: مطهری، ۱۳۸۵: ۲۶). در بیانی صریحتر ایشان قائل به جاری بودن طرف دوم رابطه نیز هستند: «جامعه اگر وجود حقیقی داشته باشد، قهرا قوانین و سنن مخصوص به خود را دارد» (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۳).

تا اینجا روشن شد که اگر بخواهیم وجود سنت‌های الهی را برای سازمان اثبات کنیم، باید نخست اصالت داشتن سازمان را اثبات کنیم. در این صورت بر اساس مبنایی که شهید مطهری در پیش گرفته‌اند، می‌توان وجود سنت‌های الهی را برای سازمان اثبات کرد؛ یعنی باید مشخص کرد که آیا سازمان را نیز می‌توان نوع و شکلی از جامعه اما در وسعت محدودتر دانست؛ ویژگیهای جامعه چیست و آیا این ویژگیها در سازمان هست؟

در این خصوص شهید مطهری می‌نویسد: «زندگی انسان که اجتماعی است به معنی این است که (ماهیت اجتماعی) دارد: از طرفی نیازها، بهره‌ها و برخورداریه‌ها، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و تقسیم رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست. از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها، ایده‌ها، خلق و خوی‌ها بر عموم حکومت می‌کند که به آنها وحدت و یگانگی می‌بخشد و به تعبیر دیگر، جامعه عبارت است از مجموعه ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها و ایده‌ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه ورنند» (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸ و ۱۷). هم چنین هدفمندی مشترک از دیگر ویژگیهای جامعه یاد شده است: «جامعه از اعضایی شکل گرفته و دارای هدف مشخصی است» (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۷).

«بنگاه هویت خود را دارا است؛ هویت و حیاتی بس عظیم‌تر و مؤثرتر از حیات فردی کارکنان

آن؛ زیرا گروهی از انسانها یک نظام زنده و بازی را به میان آورده‌اند با شخصیت حقوقی که بیشتر و پرنفوذتر از اشخاص حقیقی در حیات اجتماعی بشر گام می‌نهد، مناسبات نوین ایجاد می‌کند، زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از بنگاه‌ها اساساً حیات ملی را دگرگون می‌کنند و برخی می‌توانند بر زندگی جهانی مؤثر باشند» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). به طور مشخص دو دسته دلیل می‌توان برای اثبات اصالت سازمان همانند اصالت جامعه ارائه کرد: دسته نخست بررسی نوع ترکیبی است که در سازمان رخ داده است. اگر نوع ترکیب افراد در سازمان همانند نوع ترکیبی باشد که در جامعه رخ داده است، می‌توان اصالت سازمان را نیز پذیرفت. با توجه به نوع ترکیبی که شهید مطهری قائل به آن برای جامعه است، می‌توان حداقل در برخی از سازمانها نیز این نوع ترکیب را پذیرفت. در بسیاری از سازمانها افراد بعد از ورود به سازمان هویت ثانوی و متفاوتی پیدا می‌کنند در عین حالی که هویت فردی مستقل خود را دارا هستند.

اما تعریف جامعه و ویژگیهای آن نیز در سازمان دیده می‌شود؛ به عنوان مثال موضوعاتی نظیر کدهای اخلاقی سازمانی، فرهنگ سازمانی، جو سازمانی و بیانیه مأموریت که مباحث سازمان مطرح می‌شود، حکایتگر وجود عقیده و اندیشه و آرمانی مشترک است. البته روشن است که این موضوعات باید تحقق عینی پیدا کند و به صرف وجود چند سند نمی‌توان این ادعا را مطرح کرد؛ بنابراین می‌توان سه عامل مهم همه جوامع را به این صورت بیان کرد:

۱- از اعضای تشکیل شده است که به دور هم جمع شده‌اند.

۲- دارای هدف مشخصی هستند.

۳- دارای قانون و ملاک و معیار مشخص هستند.

در نهایت اینکه به نظر می‌رسد ویژگیهای لازم برای اینکه ترکیب افراد را در سازمان از جنس ترکیب افراد در جامعه بدانیم، حداقل در برخی از سازمانها وجود دارد. البته همان طور که ذکر شد این موضوع خود به پژوهشی مستقل و مفصلتر از حوصله این نوشتار نیاز دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم است. نخست ذکر این نکته ضروری است که اگر چه این پژوهش بر مبنای روشهای تفسیری قرآن استوار است از

جنس تفسیر نخواهد بود، بلکه از جنس تحقیق موضوعی در قرآن است؛ چرا که کارهای تفسیری به مقدمات و پیش نیازهایی نیاز دارد که مفسر باید واجد آنها باشد. این پیش نیازها عبارت است از: علوم ادبی (شامل علم لغت، اشتقاق، صرف و نحو)، علوم بلاغی (شامل معانی، بیان، بدیع)، علوم قرآن (شامل قرائات، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، اسباب نزول و ...)، علوم استنباط معرفت دینی (شامل اصول فقه و فقه)، علوم حدیث (شامل درایه و رجال) و علوم نظیر کلام، تاریخ و ... (بابایی و عزیزی کیا و روحانی راد، ۱۳۸۸: ۳۲۹).

خلاصه گامهای تحقیق موضوعی در قرآن کریم در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳: مراحل گام به گام تحقیق موضوعی در قرآن

اما توضیح تفصیلی این گامهای عبارت است از^(۴):

- ۱- تحدید و مشخص کردن موضوع پژوهش
 - ۲- مشخص نمودن کلیدواژه های مناسب برای مشخص کردن اولیه آیات
- در این قسمت باید توجه شود که آیا مشخص کردن آیات مرتبط با موضوع از طریق انتخاب کلیدواژه های مرتبط میسر است یا خیر. در صورتی که این امر ممکن نباشد، باید از طریق دیگری آیات مرتبط با موضوع مشخص شود؛ برای مثال ممکن است محقق به بررسی کل آیات قرآن اقدام کند. رویارویی پژوهشگر با آیات قرآن و در نظر گرفتن سؤال خود باعث می شود که متنی

که به نظر ساکت می‌رسد در مقابل سؤال محقق به سخن آید؛ به عنوان مثال شهید مطهری در کتاب آزادی معنوی، سعی می‌کند به تبیین مفهوم آزادی از نگاه اسلام بپردازد و در نهایت با تکیه بر آیات قرآن، دو رکن اصلی آزادی را آزادی معنوی و آزادی اجتماعی معرفی می‌کنند.^(۵) ایشان برای تبیین مفهوم آزادی اجتماعی به آیه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَكَأَنُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَكَأَنَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران/۶۴)^(۶) اشاره می‌کنند در حالی که در این آیه هیچ کلیدواژه ای که با موضوع مرتبط باشد دیده نمی‌شود. چون اگر قرار بود بر مبنای کلیدواژه بحث دنبال می‌شد، باید از ریشه "حریت" کلمات جستجو می‌شد در حالی که هیچ کلمه‌ای از این ریشه در قرآن کریم وجود ندارد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان به کلیدواژه مناسب برای پژوهش موضوعی در قرآن دست یافت. به نظر می‌رسد پنج روش زیر می‌تواند پاسخ این سؤال باشد:

۱- استفاده از نظر صاحب‌نظران و خبرگان

۲- استفاده از معجم و لغتنامه عربی

۳- استفاده از کتاب فرهنگ قرآن

۴- استفاده از کلیدواژه‌هایی که از آیات مشخص شده اولیه به دست می‌آید.

۵- نکاتی که مفسران در ذیل تفسیر آیات مشخص شده آورده‌اند.

در توضیح روش چهارم باید گفت که از آنجا که روش تحقیق موضوعی در قرآن، حالت رفت و برگشتی^(۷) دارد، این گونه نخواهد بود که پژوهشگر بتواند با یک مرحله جمع آوری آیات و روایات کار را به پایان برساند. لذا لازم است در مسیر تحقیق و با توجه به بازخورهایی که دریافت می‌کند به مشخص کردن و بررسی آیات و روایات دیگری اقدام کند. غالباً این گونه است که کلیدواژه‌های دیگر، از سیاق آیاتی که مشخص شده است به دست می‌آید نه خود آیات به تنهایی. عمده دلیل هم این است که در آیات مجاور کلماتی که ارتباط معنایی با آیه داشته باشد به کار می‌رود و همین موضوع می‌تواند راهگشایی برای وسعت بخشیدن به دامنه واژگان کلیدی تحقیق باشد.

۳- مشخص کردن آیات از ریشه مدنظر و تعیین سیاق آنها

در این گام برای مشخص کردن آیات مرتبط می‌توان از کشف الآیات استفاده کرد. راه بهتر و آسانتر استفاده از نرم افزارهای قرآنی است که امکان جستجوی کلمات یا ریشه آنها را در قرآن می‌دهد. بعد از مشخص کردن اولیه آیات در صورتی که از ریشه کلمه به عنوان کلیدواژه استفاده شده باشد، ممکن است برخی از آیات مشخص شده با موضوع مرتبط نباشد که باید کنار گذاشته شود. دلیل این امر یکسان بودن ریشه دو کلمه با معنای متفاوت است، برای مثال برای مشخص کردن آیاتی که کلمه انفاق در آنها به کار رفته است در صورتی که ریشه آن یعنی نفق جستجو شود، برخی از آیات مشخص شده در مورد منافقان خواهد بود. بعد از مشخص کردن آیات و پالایش اولیه از لحاظ ارتباط معنایی ریشه با کلمه مدنظر، لازم است آیات سیاق هر یک از آنها تعیین و مشخص شود.

۴- قرائت مکرر آیات مشخص شده و یادداشت نکات تدبری و یا سؤالات پیش آمده در رابطه با آیه در گام بعدی تمرکز اصلی تنها بر خود آیات است. در این مرحله محقق اقدام به قرائت مکرر آیات، و سعی می‌کند از نگاه مسئله مد نظر خود نکاتی را از قرآن استخراج کند. ممکن است هنگام تدبر سؤالاتی در خصوص آیه (مثلا علت تقدم و تأخر کلمات، علت استفاده یا عدم استفاده از کلماتی و...) برای محقق ایجاد شود که این سؤالات نیز باید یادداشت شود.

۵- مطالعه آیات در رکوعاتشان و تصحیح یا اضافه نمودن نکات

در این گام، آیات با توجه به سیاق خود مورد بررسی قرار می‌گیرد و نکات تدبری یا سؤالات نیز مانند مرحله قبل یادداشت می‌شود. ممکن است لازم باشد علاوه بر سیاق خود آیه، سیاقهای بعدی یا قبلی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۶- شکل‌گیری الگوی اولیه

در نهایت با پایان یافتن گام پنجم پژوهشگر باید سعی کند موضوعات و کدهای استخراج شده خود را در قالبی منظم و دسته بندی شده قرار و الگوی اولیه خود را شکل دهد.

رویکرد تفسیر قرآن به قرآن در گام پنجم و ششم باید مورد توجه قرار گیرد؛ به این معنی که پژوهشگر در تحقیق موضوعی باید سعی کند آیات قرآن را با کنار هم قرار دادن معنا کند. این امر در نهایت به شکل‌گیری شبکه مفهومی منجر خواهد شد.

۷- مراجعه به تفاسیر معتبر و عرضه نکات برای اصلاح یا اضافه نمودن نکات جدید و یافتن

پاسخ سؤالات

بعد از مرحله تدبری، لازم است با مراجعه به تفاسیر معتبر نکات به دست آمده به تفاسیر عرضه شود تا مشخص شود که آیا تدبر صورت گرفته مقبول است یا خیر. هم چنین سؤالاتی که هنگام تدبر یادداشت شده است، پاسخ داده شود و نکات جدیدی که از مطالعه تفاسیر به دست می آید نیز یادداشت شود.

۸- طراحی الگوی نهایی از دید قرآن کریم

در گام آخر به دسته بندی، نظم دهی و ساختار دهی به نکات استخراج شده در قالب الگو و اصلاحات لازم در الگوی اولیه اقدام می شود تا در نهایت الگوی نهایی از دید قرآن کریم به دست آید.

نکته دیگری که بیان آن ضروری به نظر می رسد این است که گردآوری آیاتی از سراسر قرآن بر اساس یک نظریه به معنای جدا کردن آن از سیاق آیات مجاورش نیست؛ چرا که در تفسیر موضوعی، آیات مشخص شده، در سیاق خود مورد بررسی قرار می گیرد نه اینکه رابطه آیات با جغرافیای خود قطع شود و آنها را بدون توجه به سایر آیات اطراف آن مورد توجه قرار دهند. تفسیر موضوعی اگر چه روالی متفاوت از تفسیر ترتیبی دارد، این به معنای عدم استفاده از تفاسیر ترتیبی در روش تفسیر موضوعی نیست. «روش موضوعی بدون پشتوانه و تکیه گاه تفسیر ترتیبی، صورتی بی محتواسست و استغنای تفسیر موضوعی در گردآوری مواد خام از تفسیر ترتیبی به معنای تهی شدن و استحاله آن است و مفسر موضوعی در درک آیات گزیده و دریافت مدلولهای آنها با در نظر گرفتن جغرافیای تک تک آنها همواره دست به دامن روش ترتیبی است و دست نیاز به تفسیر ترتیبی در کنار تفسیر موضوعی هم چنان پاینده و حیاتی است» (جلیلی، ۱۳۸۷: ۵۷). در نتیجه همان گونه که روشن شد این دو شیوه تفسیر نه تنها نافی یکدیگر نیست، بلکه مکمل و همراه هم است (یداله پور، ۱۳۸۳: ۲۴) و اگر یکی در تبیین یکپارچه کلام الهی برای مخاطبان به کار گرفته می شود، دیگری به گونه ای موضوعی و متناسب با زمانه تخصصی شدن امور، مخاطبان قرآن را از معارف بی پایان قرآن بهره مند می سازد (یداله پور، ۱۳۸۳: ۳۰).

پژوهشگر در تحقیق موضوعی در قرآن به بررسی آیاتی می پردازد که به گونه ای به موضوع وی مرتبط شد؛ اما چگونگی رویارویی وی با آیات تنها تحقیق است نه تفسیر به این صورت که وی تنها به بررسی آرا و نظر مفسران می پردازد و سعی می کند با جمع بندی نظر آنان پژوهش

خویش را جلو ببرد در حالی که خود پژوهشگر تفسیر جدیدی از آیات ارائه نمی‌کند.

۵ - تجزیه و تحلیل اطلاعات

قبل از بررسی موضوع از دیدگاه قرآن لازم است به چگونگی مشخص شدن آیات مرتبط با موضوع اشاره شود. برای مشخص کردن آیاتی که به نوعی نشاندهنده دچار شدن انسان به اموری است که انسان از قبل نسبت به آنها پیش بینی و محاسبه قبلی نداشته از کلیدواژه «من حیث...» که بعد از آن کلماتی نظیر لایعلمون، لایشعرون و لایحتسب آمده استفاده شده است. (من حیث لایعلمون، من حیث لایشعرون، من حیث لایحتسب) این عبارت نشاندهنده این است که از آنجا که انسان نسبت به آن علم ندارد یا حدس نمی‌زند یا محاسبه و پیش بینی قبلی ندارد، یک اتفاق پیش بینی نشده برایش رخ داده است. البته لازم به ذکر است که ممکن است آیات دیگری قابل مشخص کردن باشد که از نظر مفهومی مرتبط با موضوع باشد که از نظر نگارنده دور مانده باشد؛ لذا عوامل مشخص شده جامع و مانع نخواهد بود و این یکی از محدودیتهای روش استفاده از کلیدواژه برای مشخص کردن آیات است. آیات مشخص شده با این ملاحظات عبارت است از: أعراف/۱۸۲، نحل/۲۶ و ۴۵، زمر/۲۵، حشر/۲، طلاق/۳ و قلم/۴۴. تمامی این آیات در سیاق خود بررسی شد. بنابراین پیوستگی معنایی آیات در محیط جغرافیایی خود در کنار سایر آیات حفظ شده است و این گونه نیست که آیه جدا و بریده و منقطع از فضای معنایی که در آن قرار دارد مورد بررسی و تدبر واقع شود.

بعد از این مقدمات نوبت به دسته‌بندی و ارائه نکات تدبری و یافته‌های آیات می‌رسد. نکات

مشخص شده در پاسخ به دو سؤال زیر قرار می‌گیرد:

۱ - امور پیش‌بینی نشده در قرآن کریم به چند دسته تقسیم می‌شود و هر کدام چگونه است؟

۲ - قرآن کریم چه صفاتی را برای کسانی که به این امور مبتلا می‌شوند، ذکر می‌کند؟

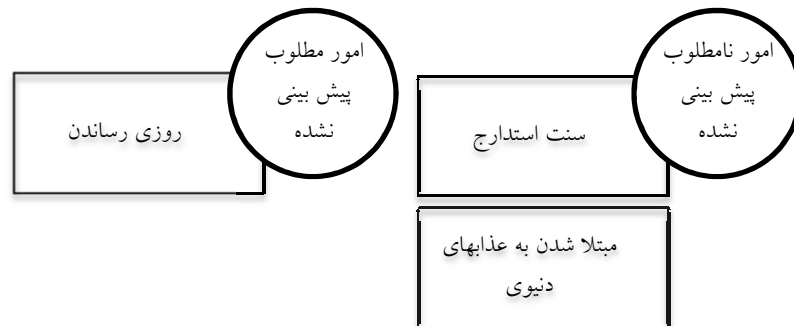
۵ - ۱ - دسته بندی امور پیش بینی نشده

در پاسخ به سؤال اول بر اساس یافته‌های تحقیق، اول باید گفت که در یک تقسیم‌بندی کلی

می‌توان آیات مشخص شده را در دو دسته قرار داد:

۱ - آیاتی که در آن شرایط تحقق امر نامطلوبی را به صورت پیش‌بینی نشده بیان می‌کند.

۲- آیاتی که در آن شرایط تحقق امر مطلوبی را به صورت پیش‌بینی نشده بیان می‌کند. هر کدام از این دو دسته مصداق‌هایی دارد که در شکل ۴ به آنها اشاره شده است.



شکل ۴: طبقه بندی امور پیش‌بینی نشده و مصداق‌های آنها

امور نامطلوب پیش‌بینی نشده شامل دو دسته است: یکی سنت استدراج و دیگری مبتلا شدن به عذاب‌های دنیوی. تنها امر مطلوب پیش‌بینی نشده با توجه به آیات مورد مطالعه روزی و رزق از قبل حساب نشده است. در ادامه سعی شده است هر یک از این موضوعات مورد بررسی قرار گیرد.

۵- ۱- ۱- امور نامطلوب پیش‌بینی نشده

در آیات مشخص شده، دو دسته امور که به صورت پیش‌بینی نشده ممکن است رخ دهد و نامطلوب به شمار می‌آید عبارت است از سنت استدراج و مبتلا شدن به عذاب‌های دنیوی. در ادامه به توضیح و بررسی هر یک پرداخته شود:

۱- استدراج^(۸)

تنها در دو آیه قرآن از ریشه استدراج کلماتی به کار رفته^(۹) که جالب این است که هر دو آیه به عبارت من حیث لا یعلمون ختم می‌شود:

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (اعراف/۱۸۲)

فَذَرْنِي وَمَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (قلم/۴۴)

بر این اساس این آیات یکی از کارهای نامطلوب پیش‌بینی نشده استدراج است؛ چرا که از آنجا که انسان نسبت به آن علم ندارد و نمی‌تواند در مورد آن اندیشه و تدبیری از قبل به کار بندد،

دچار می‌شود. «استدراج دو معنی دارد: یکی اینکه چیزی را تدریجا بگیرند (زیرا اصل این ماده از درجه گرفته شده که به معنی پله است؛ همان گونه که انسان در بالا و پایین رفتن از طبقات پایین عمارت به بالا، یا به عکس از پله‌ها استفاده می‌کند؛ هم‌چنین هرگاه چیزی را تدریجا و مرحله به مرحله بگیرند یا گرفتار سازند به این عمل استدراج گفته می‌شود). معنی دیگر استدراج، پیچیدن است؛ همان گونه که طومار را به هم می‌پیچند، ولی با دقت روشن می‌شود که هر دو به یک مفهوم کلی و جامع یعنی اجرای تدریجی باز می‌گردد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۲).

در آیه ۱۸۲ سوره اعراف قرینه مقام دلالت دارد بر اینکه منظور نزدیک شدن به هلاکت است یا در دنیا و یا در آخرت. اینکه استدراج را مقید کرد به راهی که خود آنان نفهمند برای این است که بفهماند این نزدیک کردن آشکارا نیست؛ بلکه در همان سرگرمی به تمتع از مظاهر زندگی مادی مخفی است و در نتیجه ایشان با زیاده‌روی در معصیت پیوسته به سوی هلاکت نزدیک می‌شوند؛ پس می‌توان گفت استدراج، تجدید نعمتی بعد از نعمت دیگری است تا بدین وسیله التذاب به آن نعمتها ایشان را از توجه به وبال کارهایشان غافل بسازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۴۵۳). «در مورد مجازات استدراجی که در این آیه به آن اشاره شده است و از آیات دیگر قرآن و احادیث استفاده می‌شود، چنین است که خداوند گناهکاران و طغیانگران را طبق یک سنت، فورا گرفتار مجازات نمی‌کند، بلکه درهای نعمتها را به روی آنها می‌گشاید؛ هر چه بیشتر در مسیر طغیان گام بر می‌دارند، نعمت خود را بیشتر می‌کند و این از دو حال خارج نیست: یا این نعمتها باعث تنبه و بیداریشان می‌شود که در این حال برنامه هدایت الهی عملی می‌شود و یا بر غرور و بی‌خبریشان می‌افزاید در این صورت مجازاتشان هنگام رسیدن به آخرین مرحله، دردناکتر است» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۴). «به وجه دیگر وقتی که از ذکر پروردگارش غافل شدند و آیات او را تکذیب کردند، اطمینان و آرامش دل‌هایشان را از دست دادند و ناگزیر شدند با چنگ زدن به اسباب دیگری غیر از خدا دل خود را آرامش دهند و چون غیر خدا چیزی نمی‌تواند دلها را آرامش دهد؛ لذا بیش از پیش به قلق و اضطراب درونی دچار شدند و دیگر از حقیقت سعادت زندگی بی‌خبر ماندند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۴۵۳).

«استدراج در کنار مراحل هدایت و آزمایش عمومی انسان از سنتهای فراگیر الهی و ویژه مردمان گمراه و سرکش است که در آن، انسان بتدریج و غیرمستقیم بر اثر اصرار بر گناه و نافرمانی به عذاب و هلاکت نزدیک می‌شود» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ۱۵). نکته مهم در این

سنت این است که «حرکت طبیعی بشر به سوی خسران و زیان در روندی بسیار پنهان و غیرقابل پیش بینی صورت می پذیرد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶: ۳۷ و ۳۸) به صورتی که فرد خود متوجه خسران و زیان خویش نیست. «حضرت صادق علیه السلام فرمود چون خداوند به بنده‌ای نظر لطف و خیر داشته باشد اگر آن بنده مرتکب گناه و لغزشی گردد، خداوند او را به بلیه‌ای مبتلا سازد تا فوراً تنبیه شود و از آن معصیت توبه و استغفار کند ولی اگر اراده خوبی به بنده‌ای نداشته باشد، چنانچه گناهی از او سر بزند در عقب آن گناه نعمتی به او عطا فرماید تا غرق در نعمت او شود و متذکر توبه و استغفار نشود (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۹۲).

۲- عذاب الهی

تفاوت سنت استدراج و مبتلا شدن به عذاب الهی این است که در سنت استدراج به فرد نعمتهای زیادی داده می‌شود؛ اگر در این موقعیت او باز هم در غفلت بود و تغییری در او صورت نگرفت، مبتلا به عذاب می‌شود. اما در مورد دوم این استدراج و برخورداری از نعمت و سپس عذاب وجود ندارد، بلکه برخی از رفتار است که قرآن به صورت مستقیم آنها را باعث نزول عذاب الهی معرفی می‌کند. ذکر این نکته مهم ضروری است که معارف اسلامی و دینی منظومه‌ای منسجم و به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد به طوری که ممکن است در زمینه موضوعی عوامل متعددی اثرگذار باشد در حالی که از تنها تعدادی از این عوامل مشخص شود؛ لذا ممکن است آنچه این آیات آن را لازمه نزول عذاب معرفی می‌کند به وجود آمده باشد، اما عذابی دیده نشود.

۵- ۱- ۲- کارهای مطلوب پیش بینی نشده

مهمترین و اصلی‌ترین دغدغه مادی در زندگی بشر را می‌توان رفع نیازهای مادی او دانست. انسان تا زمانی که در کره خاکی به زندگی مشغول است، نمی‌تواند خود را از رفع نیازهای دنیوی بی‌نیاز ببیند. حیات مادی بشر به پاسخ دادن به نیازهای مادی او وابسته است؛ لذا انسان در می‌یابد که لازم است به کار و تلاش و کسب درآمد بپردازد تا در پرتو آن بتواند در زندگی اجتماعی با سایر انسانها به تعاملات اقتصادی بپردازد و نیازهای خویش را برآورده کند. اما همواره این نگرانی در خصوص برآورده ساختن نیازها در انسان وجود دارد. بر این مبنا قرآن کریم به کسانی که تقوا پیشه می‌کنند این اطمینان را می‌دهد که آنها را از آنجا که نمی‌دانند، روزی می‌دهد.

جدول زیر نشانی آیاتی آمده که بر اساس آنها مصداقهای کارهای پیش بینی نشده مطلوب و

نامطلوب مشخص شده است:

جدول ۱: نشانی آیات مصداقهای کارهای پیش بینی نشده

آیه	نشانی آیه	مصداق	دسته بندی
وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ	اعراف/ ۱۸۲	سنت	کارهای نامطلوب پیش بینی نشده
فَدَرْتِي وَمَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْخُدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ	قلم/ ۴۴	استدراج	
أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ	نحل/ ۴۵	عذاب الهی	
كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ	زمر/ ۲۵		
هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ	حشر/ ۲		
قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ	نحل/ ۲۶		
وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا	الطلاق/ ۳	رزق پیش بینی نشده	کارهای مطلوب پیش بینی نشده

۵ - ۲ - شرایط لازم برای برخوردار شدن از کارهای پیش بینی نشده

۵-۲-۱- توصیفاتی که قرآن برای دچار شدن به کارهای نامطلوب پیش بینی نشده ذکر می کند. در این قسمت ابتدا با توجه به آیات مشخص شده به بررسی وضعیت و توصیفاتی پرداخته می شود که قرآن کریم از افراد برای دچار شدن به کارهای نامطلوب ذکر کرده است. با توجه به آیات می توان این زمینه ها را در چهار دسته قرار داد. تکذیب کردن، مکر ورزیدن، کفر ورزیدن و انجام دادن سیئات، مجموعه این شرایط را تشکیل می دهد.

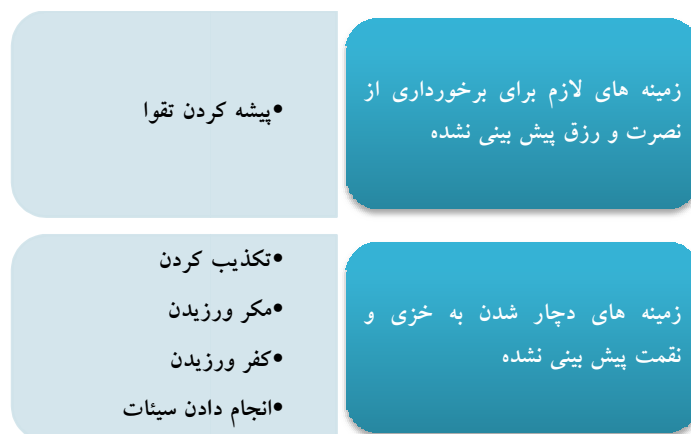
جدول ۲: زمینه های لازم مبتلا شدن به کارهای نامطلوب پیش بینی نشده

ردیف	زمینه هایی که لازمه گرفتار شدن به کارهای نامطلوب پیش بینی نشده است.	آدرس آیات
۱	تکذیب کردن	اعراف/ ۱۸۲ - زمر/ ۲۵ - قلم/ ۴۴
۲	مکر ورزیدن	نحل/ ۲۶
۳	کفر ورزیدن	حشر/ ۲
۴	انجام دادن سیئات	نحل/ ۴۵

بررسی اینکه شکل سازمانی این مفاهیم چگونه مصداق پیدا می‌کند، خود پژوهش دیگری را می‌طلبد. برای این منظور باید ابتدا با جستجوی موضوعی هر یک از موارد، مفهوم شناسی دقیقی از آنها از دیدگاه قرآن صورت گیرد؛ سپس از دریچه سازمانی به مفهوم شکل یافته نگاه کرد و مصادیق ممکن حدس زده شود. این کار شکل دهنده حلقه دوم مفهومی این پژوهش است و کم کم می‌تواند زمینه عملیاتی سازی مفاهیم مشخص شده را ایجاد کند.

۵-۲-۲- توصیفات که قرآن برای بهره مند شدن از کارهای مطلوب پیش بینی نشده ذکر می‌کند. بر اساس آیه ۲ و ۳ سوره طلاق تقوا پیشه کردن به برخورداری فرد از دو امر منجر می‌شود: اول اینکه خداوند برای او خروج از مشکلات قرار می‌دهد و دوم اینکه او را از آنجا که فکر نمی‌کند، روزی می‌دهد. البته مورد دوم را می‌توان یکی از مصداقهای خروج از مشکلات قرار داد. البته تبیین این موضوع نیازمند شناخت دقیقتر مفهوم رزق است. در نهایت اینکه عامل اصلی برای برخورداری از کارهای مطلوب پیش بینی نشده باید به صفت تقوا متصف شد.

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» این مفاد را به دست می‌دهد که هر کس از خدا بترسد و به حقیقت معنای کلمه پروا داشته باشد، لازمه آن این است که اراده نکند مگر فعل و ترکی را که او اراده کرده باشد و لازمه این هم آن است که اراده‌اش در اراده خدای تعالی مستهلک شده باشد؛ چنین کسی هیچ عملی انجام نمی‌دهد مگر از اراده‌ای از خدا. لازمه این نیز آن است که خود و متعلقات خود را از مشخصات و افعالش را ملک خدای تعالی بداند. خدای تعالی چنین بنده‌ای را به حکم *يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* از تنگنای وهم و زندان شرک نجات می‌دهد؛ دیگر به اسباب ظاهری دل بسته نیست و به حکم *وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ* از جایی که او احتمالش را هم ندهد، رزق مادی و معنویش را فراهم می‌کند؛ اما رزق مادیش را بدون پیش بینی خود او می‌رساند برای اینکه او قبل از رسیدن به چنین توکلی رزق خود را حاصل دسترنج خود و اثر اسباب ظاهری می‌دانست؛ همان اسبابی که دل به آن بسته بود و از آن اسباب هم که بسیار زیادند جز به اندکی اطلاع نداشت» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۲۸ و ۵۲۹).



شکل ۵: زمینه‌های لازم برای برخورداری از امور پیش بینی نشده

۶ - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه شناخت آینده و چگونگی رویارویی با آن به یکی از مهمترین دغدغه‌ها و مسائل انسان تبدیل شده است. این نگرانی نسبت به آینده چه در بعد کلان مدیریتی و چه در ابعاد سازمانهای انتفاعی بروز پیدا می‌کند. بر این اساس مدیران سازمانها پیوسته در صدد یافتن راهی هستند که بتوانند شناخت کاملتر و دقیقتری نسبت به تحولات و اتفاقات آینده به دست آورند. در ادبیات متعارف از دو نوع راهبرد در خصوص برنامه ریزی یاد می‌شود که عبارت است از راهبردهای تعمدی و راهبردهای نوظهور. راهبردهای نوظهور ناظر به مسائل و اتفاقات پیش بینی نشده است که البته ممکن است از جنس فرصت نیز باشد.

از دیدگاه اسلامی استفاده از روشهایی که بتواند شناخت درستی از آینده و پیش بینی حوادث پیش رو برای برنامه ریزی را فراهم کند، کاملاً عقلانی و لازم شمرده می‌شود. اما بحث اصلی این نوشتار درباره این است که شیوه متعارف با توجه به اینکه مبنای مادیگرایانه دارد، تأثیر عوامل فرامادی و متافیزیکی را در هستی و اتفاقات آن نمی‌بینند و لذا اتکای صرف به آنها نمی‌تواند مبنای درستی برای برنامه ریزی باشد. یکی از جلوه‌های ناکارآمدی این نظریه‌ها در خصوص مسائل پیش بینی نشده است.

در این نوشتار تلاش شد تا به تبیین برخی از موضوعات پیش بینی نشده از دیدگاه قرآن پرداخته و صفاتی بیان شود که قرآن در کنار ذکر این امور بیان می‌کند. بر این اساس دو دسته امور

مطلوب و نامطلوب شناسایی شد که بهره مندی از رزق پیش بینی نشده به عنوان یکی از مصداقهای مطلوب و سنت استدراج و نزول عذاب الهی به عنوان دو مصداق نامطلوب شناسایی شد. در آیات قرآن تقوای الهی شرط لازم برخورداری از رزق پیش بینی نشده معرفی شده است و چهار صفت تکذیب کردن، مکر ورزیدن، کفر ورزیدن و انجام دادن سیئات به عنوان ویژگیهای لازم برای مبتلا شدن به امور نامطلوب پیش بینی نشده شناسایی شد.

سرانجام اینکه شناخت آینده باید بر سنتهای الهی مبتنی باشد. شناختی که تنها عوامل مادی و انسانی را مؤثر ببیند، نمی تواند دیدگاه جامعی در باب شناخت آینده ارائه کند. البته یکی از سنتهای الهی این است که انسان باید تلاش کند تا آن چیزی را که می خواهد به دست آورد: *وَ أَنْ كَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى* (نجم/۳۹) اما در عین حال این گونه نیست که تمام عالم به اراده و اختیار انسان باشد. بر اساس این مبنای الهی و در نظر گرفتن اراده انسان در طول اراده الهی، تأثیر روشنی در برنامه ریزی خواهد داشت که مهمترین آنها توجه به سنتهای الهی در برنامه ریزی، چه در عرصه ملی و چه در عرصه سازمانی است. یکی از ابعاد توجه به سنتهای الهی در برنامه ریزی، توجه به عوامل تأثیرگذار در مسائل پیش بینی نشده است که قدرت تصمیم گیری و شناخت را افزایش می دهد.

یادداشتها

- ۱ - «سنت در اسلام از گفتار شفاهی پیامبر(ص) فراتر می رود و تا مرز رفتار (فعل) و امضا (تقریر) نیز توسعه می یابد در حالی که سنت از نگاه اندیشمندان یهود و نصارا، در سنت شفاهی (قول)، متمرکز است» (نصیری، ۱۳۷۹: ۳۵).
- ۲ - ترجمه: و اگر مردم شهرها ایمان آورده، و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم؛ ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.
- ۳ - استاد مصباح ادعا کرده اند که تلازمی بین قانونمندی جامعه و اصالت فلسفی آن نیست و «می توان به وجود حقیقی جامعه باور نداشت و در عین حال به قوانین اجتماعی به معنای قوانین حاکم بر ارتباطات متقابل گروه ها و قشرهای مختلف جامعه قائل بود. سر مطلب در این نکته نهفته است که هر چند جامعه وجود حقیقی ندارد و مفهوم «جامعه»، مفهومی است اعتباری و انتزاعی، منشأ انتزاع این مفهوم، وجود عینی خارجی دارد و به اعتبار همین منشأ انتزاع موجود در خارج است که قوانین اجتماعی، حقیقی و عینی است» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۱۲۷).
- ۴ - فکر و طرح اصلی این گامها از کتاب «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم» (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، بی تا) است. البته این رویکرد به دلیل نوع نگرش خاصی که به تحقیق موضوعی در قرآن دارد

(استفاده از رویکرد قرآن به قرآن) قالبی متفاوت ارائه می‌کند.

۵ - «آزادی اجتماعی، آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر. ولی آزادی معنوی نوع خاصی از آزادی است و در واقع آزادی انسان است از قید و اسارت خودش» (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۲).

۶ - بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید «شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما].»

۷ - حالت رفت و برگشتی به این معناست که برخلاف آنچه غالب در روش شناسی‌های کمی رایج است و محقق در آنها با یک مرحله جمع آوری اطلاعات سراغ تحلیل می‌رود در روشهای کیفی (که روش تحقیق موضوعی در نقل نیز آن جمله است) جمع آوری داده و اطلاعات لازم برای تحلیل در یک مرحله صورت نمی‌پذیرد و محقق بعد از جمع آوری اطلاعات اولیه و تحلیل آنها، دوباره به جمع‌آوری داده اقدام، و این حالت رفت و برگشتی تا جایی ادامه پیدا می‌کند تا اطلاعات جدید دیگری اضافه نشود. در روش تحقیق موضوعی در نقل در دو مرحله حالت رفت و برگشتی قابل فرض است؛ مرحله اول در مشخص کردن کلیدواژه‌هاست که با توجه به آیات اولیه مشخص شده و ربط و نسبت معنایی که بین کلمات در آیات مشخص شده دیده می‌شود به کشف کلیدواژه‌های جدید اقدام نمود. مرحله دوم در تشکیل شبکه مفهومی است که توضیح بیشتر در مورد آن در ادامه خواهد آمد: برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (مسعودی پور، ۱۳۹۱)

۸ - این سنت به طور مفصل و بسیار عالی در کتاب «استدراج سقوط گام به گام» (۱۳۸۶) بحث شده است که در اینجا تنها توضیح مختصری از تفاسیر آیات مشخص شد ذکر می‌گردد. برای مطالعه بیشتر و دقیقتر می‌توان به همان منبع مراجعه کرد.

۹ - البته این به معنی محدود بودن بیان این سنت الهی تنها به این دو آیه نیست. «کید الهی و مهلت و طول عمر دادن به عنوان «استدراج»، بارها در آیات قرآن آمده است؛ از جمله می‌توان به آل عمران / ۱۷۸ و ۱۹۶؛ مؤمنون / ۵۴، ۵۵ و ۵۶؛ انعام / ۴۴؛ توبه / ۵۵ اشاره کرد» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۳۶ و ۲۳۷).

منابع فارسی

قرآن کریم. ترجمه فولادوند.

آقاپور، علی؛ فاطمه، پهلوان (۱۳۸۶). آینده نگری، مبانی و ضروریات‌ها و روش شناسی‌ها. راهبرد یاس. ش ۹: ۱۵۴ تا ۱۷۶.

آهنچی، محمد (۱۳۸۶). مدیریت استراتژیک: نگرشی نو بر مدیریت استراتژیک در تئوری و عمل. انتشارات داستان.

ایرجی، افشین (۱۳۸۳). کاربردهای تکنیک‌های آینده نگری و آینده نگاری در برنامه ریزی استراتژیک. مدیریت

فردا، س دوم، ش ۵ و ۶.

بابایی، علی اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی (۱۳۷۹). روش شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجیبی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع. چ ششم. انتشارات صدر. بنی اسد، رضا (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی با تأکید بر جهاد اقتصادی. تهران: دانشگاه امام صادق و دانشگاه دفاع ملی.

جلیلی، سید هدایت (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی. ناشر مؤسسه بوستان کتاب. حامدمقدم، احمد (۱۳۶۵). سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم. مجله مشکوة. ش ۱۱: ۲۷ تا ۴۴. حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۷۷). تبیین نقش پیش بینی و آینده نگری در نظام مدیریت اسلامی. فصلنامه مطالعات مدیریت. ش ۲۰: ۱ تا ۱۶.

حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۹۰). نظریه زمان و آینده پژوهی بر اساس نظریه فهم و درک. مطالعات مدیریت راهبردی. ش ۶: ۸۱ تا ۱۰۱.

خرمشاهی، بهاء الدین؛ انصاری، مسعود (۱۳۷۶). پیام پیامبر. تهران: منفرد. ذوالفقارزاده، محمدمهدی (۱۳۸۹). درآمدی بر مدیریت صالحین رویکردی آینده نگر. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

سهراب پور، همت (۱۳۷۹). سنت‌های الهی. چ دوم. دفتر انتشارات اسلامی. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایان، سیدحسین؛ الله؛ قدیری، روح الله (۱۳۸۶). متغیرهای مؤثر بر انتخاب ابعاد در یک پروژه آینده نگاری. فصلنامه علوم مدیریت ایران. س دوم، ش ۷: ۵۵ تا ۸۰.

عزتی، مرتضی (۱۳۷۸). تحلیلی بر تاریخ اندیشه های آینده نگری. مدرس. ش ۱. عسگری، محمود (۱۳۸۳). ماهیت و آثار راهبردی آینده پژوهی. فصلنامه راهبرد دفاعی. س اول، ش اول. فتح الهی، ابراهیم (۱۳۸۸). متدولوژی علوم قرآن. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۵). اخلاق حرفه‌ای. چ سوم. نشر مجنون. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق. گیلابانی، محمدمهدی (۱۳۸۵). قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر. چ دوم. تهران: نشر سایه. مؤدب، سید رضا (۱۳۸۶). مبانی تفسیر قرآن. قم: انتشارات دانشگاه قم.

- مرادی پوری، حجت الله؛ نوروزیان، مهدی (۱۳۸۴). آینده پژوهی، مفاهیم و روش ها. نشریه رهیافت. ش ۳۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶). استدراج (سقوط گام به گام). انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.
- مسعودی پور، سعید (۱۳۹۱). تبیین جایگاه سنت رزق و نقش اعتقاد به آن در کسب و کار از منظر قرآن کریم با تأکید بر تفسیر المیزان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق. راهنما مصباح الهدی باقری. مشاور مهدی سپهری.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. چ پنجم. قم: سازمان تبلیغات اسلامی. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.
- مطهری مرتضی (۱۳۸۵). جامعه و تاریخ. چ هجدهم. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). آزادی معنوی. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار. ج ۲. چ دوازدهم. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). انسان و سرنوشت. چ سی و دوم. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۸). پیام قرآن (تفسیر موضوعی). ج ۱. انتشارات مدرسه الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- مکارم شیرازی ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیة.
- نصیری، علی (۱۳۷۹). «رابطه متقابل کتاب و سنت». مجله علوم حدیث. ش ۱۵: ۳۴ تا ۷۷.
- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۶). جایگاه اقتصادی سنت رزق. فصلنامه اقتصاد اسلامی. س هفتم. ش ۲۸.
- یداله پور، بهروز (۱۳۸۳). مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.

منابع انگلیسی

- Lynch, Richard L. (2006). *corporate strategy*. 4th end; Harlow, England; New York : FT/Prentice Hall.
- Mintzberg, H. (2007). *Tracking strategies: toward a general theory*. Oxford; New York: Oxford University Press.
- Richard A Slaughter, (2003), "Is Your Ministry Ready for the Future?" San Francisco Hyatt Regency at Embarcadero Center .

